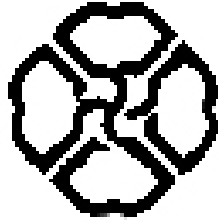


بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه کردستان

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

گروه زبان و ادبیات فارسی

بررسی تضاد و متناقض نما در اشعار احمد شاملو

پایان نامه کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات فارسی

نویسنده

پریسا رضایی

استاد راهنما

دکتر نجم‌الدین جبّاری

بهمن ۱۳۸۷

کلیه حقوق مادی و معنوی مترتب بر نتایج مطالعات،

ابتکارات و نوآوریهای ناشی از تحقیق موضوع این

پایان نامه (رساله) متعلق به دانشگاه کردستان است.



دانشگاه کردستان
دانشکده ادبیات و علوم انسانی
گروه زبان و ادبیات فارسی

بررسی تضاد و متناقضات در اشعار احمد شاملو

پایان نامه کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات فارسی

نام نویسنده:
پریسا رضایی

در تاریخ ۱۳۸۷/۱۱/۲۰ پایان نامه مربوطه توسط کمیته تخصصی و هیات داوران زیر با نمره ۱۹/۱ مورد بررسی و تصویب نهایی قرار گرفت.

اساتید	نام و نام خانوادگی	با مرتبه علمی	امضاء
۱. راهنما	دکتر نجم الدین جباری	استادیار	
۲. مشاور	دکتر پارسا یعقوبی	استادیار	
۳. داور خارجی	دکتر عیسی نجفی	استادیار	
۴. داور داخلی	دکتر تیمور مالیر	دانشیار	
۵. مدیر گروه	دکتر تیمور مالیر	دانشیار	
۶. نماینده تحصیلات تکمیلی دانشگاه	دکتر عبدالله رسولنژاد	استادیار	

دکتر نعمت الله عزیزی
معاون پژوهشی و نماینده تحصیلات تکمیلی دانشکده ادبیات و علوم انسانی

امضاء و مهر گروه و
دانشکده



تقدیم به

مادر عزیزم

که زیباترین واژه هستیم نام اوست

و پدر مهربانم به پاس داشت

بردباری‌ها و فداکاری‌هایش

و همچنین خواهر نازنینم

که در این مسیر گام به گام مرا همراهی نمود

تقدیر و تشکر

لازم می‌دانم از زحمات بی‌شائبه استاد راهنمای بزرگوارم جناب آقای دکتر نجم‌الدین جباری که با صبر و بردباری و با راهنمایی‌های ارزشمند خود به من در تدوین و تنظیم این پایان‌نامه یاری‌های فراوان نمودند و همچنین جناب آقای دکتر پارسا یعقوبی که با مشاوره‌های ارزشمند خود نکات دقیق و تازه‌ای را به نگارنده گوشزد نمودند کمال سپاس و قدردانی را داشته باشم.

چکیده:

این پایان‌نامه، پژوهشی دربارهٔ تضاد و متناقض‌نما در اشعار احمد شاملو است. این پایان‌نامه در پنج فصل تنظیم شده است. فصل اول طبق مرسوم به کلیات و تعاریف اختصاص دارد. در فصل دوم به بررسی تضاد و نقش آن در ایجاد تناسب و تناظر و هارمونی در شعر سپید شاملویی و رابطهٔ آن با عواطف و اندیشه‌های شاعر و نقشی که این صنعت در تلقین افکار شاعر بر عهده دارد، پرداخته شده و نشان داده شده است که شاملو از شگردهای متنوعی برای ارائهٔ عناصر متضاد استفاده می‌کند که هم بر جنبهٔ زیبایی‌شناختی اشعار وی می‌افزاید و هم تأثیر کلام او را صد چندان می‌کند. در فصل سوم نیز بحث متناقض‌نما مطرح و در مورد تناقضاتی که در شعر شاملو وجود دارد، چه از نظر سبکی و چه از نظر مفهومی با ذکر شواهد مثال بحث و در بخش بعدی همین فصل به علل این تناقض‌گویی‌ها اشاره شده است و در پایان، انواع متناقض‌نماهای ادبی با ذکر شاهد مثال در شعر شاملو نشان داده شده است. در فصل چهارم نیز رابطهٔ دوسویه‌ای که این دو صنعت با جهان‌نگری شاعر دارند مطرح گردیده و این نتیجه به دست آمده است که در شعر شاملو تصاویر شعری در خدمت بیان وقایع زندگی و رخدادهای سیاسی-اجتماعی قرار دارند و از طریق بسیاری از این تصاویر می‌توان با نگرش‌ها و عواطف خاص شاعر آشنا شد، از طرفی شناخت رویدادهای زندگی و حوادث عصر شاعر در گره‌گشایی بسیاری از ابهاماتی که در این تصاویر وجود دارد سودمند است.

واژگان کلیدی: تضاد، متناقض‌نما، آشنایی زدایی، زیبایی‌شناختی، جهان‌نگری، شاملو

فهرست مطالب

صفحه

هشت

عنوان

فهرست مطالب

چکیده

فصل اول: کلیات

۱	۱-۱-مقدمه
۵	۱-۲-۱- تضاد و معرفت‌شناسی
۷	۱-۲-۲- تضاد در سایر علوم
۸	۱-۲-۳- تضاد در بلاغت
۱۵	۱-۲-۴- انواع تضاد
۱۸	۱-۲-۵- آرایه‌های مرتبط با تضاد
۱۹	۱-۲-۶- ارزش ادبی تضاد
۲۰	۱-۳-۱- تعریف متناقض‌نما
۲۱	۱-۳-۲- متناقض‌نما در بلاغت
۲۵	۱-۳-۳- انواع متناقض‌نما
۲۶	۱-۴- رابطه تضاد و متناقض‌نما

فصل دوم: تضاد در شعر احمد شاملو

۲۹	۱-۲- تضاد در شعر شاملو
۳۰	۲-۲- تضاد و ایدئولوژی
۳۲	۳-۲- تضاد و موسیقی کلام
۳۳	۴-۲- انواع تضاد
۴۲	۵-۲- شیوه‌های کاربرد عناصر متضاد در شعر شاملو
۵۰	۶-۲- نتیجه‌گیری

فصل سوم: متناقض‌نما در شعر احمد شاملو

۵۱	۱-۳- متناقض‌نما در اشعار احمد شاملو
۵۲	۲-۳- دسته‌بندی انواع متناقض‌نما
۵۳	۳-۳- تناقض‌گویی در اشعار شاملو
۶۱	۴-۳- علل تناقض‌گویی شاملو
۶۴	۵-۳- پارادوکس‌های معنایی
۷۰	۶-۳- اکسی‌مرن
۷۵	۷-۳- ابهام در شعر شاملو
۷۸	۸-۳- نتیجه‌گیری

۷۹

۸۵

۸۸

۸۹

۴-۱- رابطه زندگی و جهان بینی شاعر با تصاویر شعری

۴-۲- تداعی معنی در شعر

۴-۳- نتیجه گیری

فهرست منابع

فهرست جدول ها

صفحه

۴۱

۷۴

عنوان

جدول شماره ۱

جدول شماره ۲

فصل اول کلیات

۱-۱ مقدمه

زبان مهم‌ترین پل ارتباطی انسان‌ها با یکدیگر و قدرتمندترین ابزار تأثیر در مخاطب می‌باشد؛ به گونه‌ای که از این طریق می‌توان دیدگاه‌ها و افکار خود را به یکدیگر منتقل نمود. از طرفی کلام هر اندازه زیباتر بیان گردد، تأثیر آن در اذهان بیشتر خواهد بود؛ تا جایی که می‌توان حتی مخاطب را به گریه یا خنده واداشت. یکی از راه‌های مؤثرتر کردن زبان و غرابت بخشیدن به آن که خوشایند همه دانشمندان گذشته ما نیز می‌باشد، به کار بردن آرایه‌های لفظی و معنوی در کلام و آشنایی زدایی می‌باشد، زیرا تداعی‌های شاعرانه با کاربرد این فنون، در خیال شاعر نقش‌هایی به خود می‌گیرد که در ذهن و ضمیر مخاطب اثر شگرفی از خود باقی می‌گذارد.

در این زمینه بررسی ویژگی‌های زبانی متون ادبی یکی از مهم‌ترین اموری است که خواننده را هم با ساختار متن و هم با جهان‌بینی هنرمند که در اثر او به نحو بارزی آشکار است، آشنا می‌سازد. بررسی این ویژگی‌ها در شعر شاعران صاحب سبک از اهمیت خاصی برخوردار است. یکی از این شاعران، احمد شاملو است که دارای زبان منحصر به فرد و در عین حال سخت و پیچیده‌ای است و این دشواری بیش از هر چیز

ناشی از کاربرد خاص زبان و برخی از شگردهای بلاغی و آمیختن آن با عواطف شخصی می‌باشد. این دشواری گاه به حدی است که خواننده را در درک مفهوم و پیام نهفته در کلام با مشکل مواجه می‌کند.

زبان شعر شاملو را می‌توان از جنبه‌های گوناگون همچون مسائل معانی، بیانی و بدیعی، صرف و نحو زبان، موسیقی شعر، نحوه گزینش واژگان و ... بررسی کرد. در این راستا ما به بررسی و تحلیل دو صنعت بدیعی - تضاد و متناقض‌نما - که از ویژگی‌های برجسته شعر شاملو هستند و ارتباط نزدیکی نیز با یکدیگر دارند، پرداختیم و نشان دادیم به خاطر کاربرد فراوان این دو صنعت می‌توان آنها را از ویژگی‌های سبکی این شاعر به حساب آورد. در ادامه به صورت آماری به بررسی میزان و نحوه به کارگیری آنها در مجموعه اشعار شاملو پرداختیم، تا هم پرده از یکی از رموز زیبایی اشعار وی برداریم و هم میزان ارتباط آن را با جهان‌نگری و ذهنیات وی نشان دهیم؛ اما برای آن که از هدف اصلی خود که همانا بررسی زیبایی‌شناسانه این صنایع و ارتباط آن با جهان‌نگری شاعر است دور نشویم، از بسیاری مباحث فرعی خوداری نمودیم تا تنها به اصل و جان کلام خود پرداخته باشیم.

این کار تا حد زیادی با کارهای مشابه متفاوت می‌باشد؛ زیرا در کارهایی که صورت گرفته است، بدون تأکید بر جنبه زیبایی‌شناختی این دو ترفند به بررسی این تصاویر از دیدگاه‌های عرفانی یا فلسفی و کلامی پرداخته‌اند. در این زمینه باید توجه داشت، این آثار در درجه اول آثاری ادبی هستند و آنچه در آثار ادبی به عنوان یک هنر مطرح است، برانگیختن حس زیبایی‌شناختی مخاطب می‌باشد که شاعران غالباً این کار را با ابزارهایی چون تصاویر و شگردهای ادبی انجام داده‌اند. پس این تصاویر در درجه اول دارای ارزشی ادبی بوده و در درجه دوم با تفکرات شاعر پیوندی عمیق و تنگاتنگ دارند.

ما در این تحقیق همّت خود را بر آن نهادیم که به بررسی این صنایع در اشعار شاملو (چه در حوزه لفظ و چه در حوزه معنا) پردازیم تا از این طریق یکی دیگر از زوایای پنهان اشعار وی را روشن سازیم

سؤالات تحقیق:

۱- آیا کاربرد برخی از صنایع شعری از جمله تضاد و متناقض‌نما متأثر از شیوه نگرش خاص

شاعر نسبت به مسائل می‌باشد؟

۲- تضاد و متناقض‌نما تا چه میزان بر زیبایی‌های بلاغی کلام شاعر می‌افزایند؟

۳- نقش تضاد در افزایش بار موسیقایی کلام در شعر شاملو تا چه میزان است؟

پیشینه بحث:

در این تحقیق بیش از هر چیز، اشعار شاملو به بحث گذاشته شده است و سعی شده از پرداختن به حواشی و منابع غیر ضروری پرهیز گردد. اما به طور کلی آثاری که در مورد زیبایی‌شناختی کلام و بدیع نوشته شده است، می‌تواند به نوعی پیشینه این تحقیق به شمار آید.

بررسی کارهای انجام شده در اشعار شاملو:

در مورد احمد شاملو، نویسندگان زیادی سخن گفته و اشعار او را از جنبه‌های مختلف بررسی کرده‌اند؛ از جمله: تصویرگری و موسیقی، درون‌مایه‌های اجتماعی، وصف معشوق، سیر تحولی شخصیت شاعر و ...؛ اما هیچ یک از این نویسندگان چنان‌که شایسته است به بررسی تضاد و تناقض‌نمایی به عنوان دو ترفند ادبی در اشعار او توجهی نکرده و یا اگر به آن پرداخته‌اند به صورتی سطحی و گذار بوده و تنها به این نکته اشاره کرده‌اند که تضاد و متناقض‌نما دو صنعت بدیعی در اشعار شاملو می‌باشند؛ اما توضیح چندانی در مورد نقش این دو شگرد در زیبایی کلام شاعر و انتقال فکر و اندیشه او نداده‌اند. در این میان ع. پاشایی و تقی پورنامداریان به برخی از جنبه‌های تقابلی که در اشعار شاملو وجود دارد، اشاره کرده و بعضاً به تحلیل این اشعار پرداخته‌اند.

پورنامداریان در کتاب «سفر در مه» به متناقض‌نما در اشعار شاملو به این صورت اشاره می‌کند: «نکته دیگری که در شعر شاملو باید به آن توجه داشت، وجود تصویرهایی است که به صورت ظاهر متناقض‌نماست و اجزای سازنده آن یکدیگر را نفی می‌کنند و مناسبتی در میان آنها نیست. مثلاً تصویرهایی نظیر «جوانه زندگی بخش مرگ»، «بهشت سرخ گوشت تن»، «کباب گلوله‌ها»، «دندان دنده‌ها»، «شراب مرگ» از جمله این گونه تصویرهاست که در منظومه ۲۳ آمده است.

«چنان‌که ملاحظه می‌شود دو سوی این تصویرها ظاهراً ارتباطی با هم ندارند. «کباب» و «دندان» بیشتر یادآور شادخواری و زندگی توأم با عیش و نوش و تن‌پروری است و «گلوله» و «دنده» یادآور کشتن و مرگ و نیستی و هر یک بار عاطفی دیگری را خنثی می‌کند و از اثر می‌اندازد. اما این توهم وقتی پیش می‌آید که به این تصویرها اولاً به صورت انتزاعی و جدا از زمینه عمومی شعر بنگریم و ثانیاً از اعتقادات سیاسی و اجتماعی شاملو غافل بمانیم. با در نظر گرفتن این دو نکته، در تصویرهای فوق‌الذکر ناهماهنگی نخواهیم دید. مهم این است که از کدام پایگاه و از چه نظرگاهی به مسائل بنگریم.» (پورنامداریان ۱۳۷۴ :

(۲۵۹)

ضرورت تحقیق:

بررسی بسامدی و آماری موضوعات باعث می‌شود که تا حد زیادی از کلی‌گویی و قضاوت‌های سطحی و غیر علمی دور بمانیم و همچنین از طریق بسامد بالای برخی صنایع شعری با بعضی جریان‌های ذهنی نویسنده آشنا شویم که این آشنایی گامی است که خواننده را به احساس و اندیشه شاعر نزدیک می‌کند. در این راستا شناخت بیشتر متن و برقراری ارتباط با آن، نخستین و بهترین راه برای آشنایی با بن‌مایه‌های فکری صاحب اثر است. نگارنده امیدوار است این تحقیق، خواننده را با برخی جنبه‌های زیبایی‌شناختی کلام یکی از

پیشگامان بزرگ تغییر و تحول شعر فارسی و نماینده یکی از بزرگ‌ترین جریانات شعری معاصر، یعنی «احمدشاملو» و ذهنیت و جهان‌بینی وی آشنا سازد.

روش تحقیق:

مبنای کار در این تحقیق، آماری و توصیفی و به شیوه تحلیل محتوا می‌باشد. ابتدا تمام شاهد مثال‌ها در زمینه تضاد و متناقض‌نما گردآوری سپس به شیوه‌ای ابتکاری این مثال‌ها دسته‌بندی و به موضوعات جزئی‌تر تقسیم‌بندی شدند.

۱-۲-۱ تضاد و معرفت‌شناسی

تضاد یکی از مفاهیمی است که نقش عمده‌ای در شناخت انسان برعهده دارد، زیرا پایه و اساس جهان نیز بر تضاد نهاده شده است. در قرآن کریم نیز که منبع الهام شاعران ما می‌باشد، بارها و بارها در ضمن آیات مختلف به تضاد حاکم بر جهان اشاره شده است تا انسان‌ها از طریق تفکر و تأمل در این آیات به قدرت خالق متعال خود در خلق پدیده‌های به ظاهر متضاد اما متحد و هماهنگ بیشتر پی ببرند:

«تولج اللیل فی النهار و تولج النهار فی اللیل و تخرج الحی من المیت و تخرج المیت من الحی.»

(آل عمران: ۲۷)

«و من آیاته خلق السموات و الارض و اختلاف السنتکم و اللوانکم ان فی ذلک لآیات للعالمین.»

(روم: ۲۲)

در حقیقت تضاد نوعی قیاس میان پدیده‌های مخالف است تا ذهن انسان در این مقایسه به درک و دریافت بهتری از پدیده‌ها دست یابد. از طرفی اگر قرار بود جهان حالتی یکنواخت و یک شکل می‌داشت، مثلاً فقط زشتی‌ها بر جهان حاکم می‌شد و یا فقط زیبایی‌ها، آن‌گاه زندگی برای انسان کاملاً بی‌معنا بود و از زندگی خود لذتی نمی‌برد، پس تضادی که بر جهان حاکم است منشأ ادراک تمام زیبایی‌ها می‌باشد.

مولوی نیز در بخش‌های مختلف کتاب ارزشمند مثنوی به این تضاد حاکم بر جهان که پایه معرفت

بشری است، اشاره کرده است:

شب نبد نوری، ندیدی رنگ را	پس به ضدّ نور، پیدا شد تو را
دیدن نور است، آن‌گه دید رنگ	وین به ضدّ نور، دانی بی‌درنگ
رنج و غم را حق پی آن آفرید	تا بدین ضدّ، خوش‌دلی آید پدید
پس نهانی‌ها به ضدّ پیدا شود	چون‌که حق را نیست ضدّ، پنهان بود
که نظر بر نور بود، آن‌گه به رنگ	ضدّ به ضدّ پیدا بود چون روم و زنگ
پس به ضدّ نور دانستی تو نور	ضدّ ضدّ را می‌نماید در صدور

(مولوی ۱۳۸۴: ۵۴)

با خود آمد گفت ای بحر خوشی	ای نهاده هوشها در بیهشی
خواب در بنهاده‌ای در بیداری‌ای	بسته‌ای در بی‌دلی دلدارای
توانگری پنهان کنی در ذلّ فقر	طوق دولت بسته اندر غلّ فقر
ضدّ اندر ضدّ پنهان مندرج	آتش اندر آب سوزان مندرج
روضه اندر آتش نمرود درج	دخلها رویان شده در بذل و خرج

(مولوی ۱۳۸۴: ۱۰۶۳)

سروش نیز به جنبه معرفتی تضاد این‌گونه اشاره می‌کند: «تضاد نوعی مقایسه است، مقایسه پدیده‌ای با

پدیده‌هایی در جهت مخالف خود و یکی از شیوه‌های شناخت و حصول معرفت است. در ادبیات به عنوان

بیانی هنرمندانه از دریافت‌های ذهن بشر از مفهوم تضاد، و از قدرت تداعی تضاد، برای بیان اندیشه‌های لطیف

شاعرانه استفاده شده است و شاعران از تضاد به عنوان صنعتی ادبی بهره بسیار جسته‌اند.» (سروش ۱۳۶۶ :

(۲۵۷)

۱-۲-۲ تضاد در سایر علوم

تضاد اگرچه به نحو گسترده‌ای در تمام عرصه‌های زندگی بشر وجود دارد، اما به صورت علمی برای نخستین بار در فلسفه و منطق، توسط ارسطو و افلاطون بحث و بررسی شده است و هر یک از مکاتب فلسفی در این مورد، نظرات مختلفی ارائه داده‌اند که برخی تضاد را ذاتی پدیده‌ها و منشأ حرکت در آنها می‌دانند و برخی آن را پدیده‌ای خارجی می‌دانند که در نتیجه تقابل مشخصات و محتوای دو امر به وجود می‌آید.

«معنی تضاد در دیالکتیک هگلی مفهوم کاملاً سوایی دارد. در این منطق فرض بر حرکت است و نه بر نسبت و منشأ حرکت؛ یعنی تضاد عبارت است از اجتماع و وحدت دو عنصری که رابطه و عمل این دو نسبت به هم چنان است که پدیده را برای رسیدن به تغییری از شکل و محتوا حرکت می‌دهد، و این که این تغییر هم در کمّ او واقع می‌شود و هم در کیف او.» (بنی صدر ۱۳۶۴ : ۳۱)

«معنی تضاد در منطق ارسطویی این است که دو چیز، هر دو، وجود دارند، اما نسبتشان به هم، نسبت تضاد است. مثلاً سفیدی و سیاهی می‌توانند در خارج از هم وجود داشته باشند و کاری هم به کار هم نداشته باشند، اما مشخصات و محتوای این دو با هم متضاد باشد.»

«پس در منطق ارسطویی، چون اصل بر عدم تضاد است، چیزی به عنوان تضاد درونی که ذاتی و پایه یک پدیده باشد، وجود ندارد. تضاد بین دو موجودی است که نسبت به هم خارجی هستند. در میان کلیه فلاسفه و علمای اسلامی نیز همه جا همین تضاد خارجی است.» (بنی صدر ۱۳۶۴ : ۳۱)

خوانساری در «فرهنگ اصطلاحات منطقی» تقابل را یکی از مفاهیم فلسفی می‌داند و در تعریف و تقسیم‌بندی آن چنین می‌گوید: «تقابل عبارت است از: امتناع اجتماع دو امر در یک موضوع یا امتناع صدق دو قضیه با هم.

«تقابل به سه دسته تقسیم می‌شود:

۱ - تناقض ۲- تضاد ۳- داخل در تحت تضاد بودن

«تضاد: اختلاف بین دو قضیه است که اجتماع آنها در صدق محال است ولی اجتماع آنها در کذب جایز است. به عبارت دیگر امکان ندارد که دو قضیه متضاد هر دو صادق باشند؛ اما امکان این هست که هر دو کاذب باشند. زیرا که اجتماع ضدین محال است، اما ارتفاع آنها امکان‌پذیر است. مثلاً در این دو قضیه: هر اسبی علفخوار است. هیچ اسبی علفخوار نیست.

(نخستین قضیه صادق است و دومین قضیه کاذب و ممکن نیست که هر دو صادق باشند.) (خوانساری ۱۳۷۶:

۷۶-۶۶)

خواجه نصیرالدین طوسی در «اساس الاقتباس» در این زمینه به نکات دقیقی اشاره دارد که قابل توجه است: «تضاد در این موضع عبارت از تقابل میان دو امر است که وجودشان بالفعل در یک موضوع محال باشد و موضوع بالقوه می‌تواند به هر یکی موصوف شود و انتقالش از یکی به دیگری محال نیست خواه دو طرف امر وجودی باشند؛ مانند: سواد و بیاض و خواه یکی وجودی باشد و دیگری عدمی، مانند: حرکت و سکون و ممکن است میان هر دو وسطی باشد، مانند: همان سواد و بیاض که خاکستری، رنگ متوسط بین آن دو است و ممکن است میان آنها متوسطی نباشد و تواند بود که موضوع طبیعت جنسی باشد، مانند: عدد نسبت به زوج و فرد، یا طبیعت نوعی، مانند: زن بودن و مرد بودن برای انسان، یا موضوع اعمّ مطلق باشد، مانند: شیء در مورد خیر و شر و اما تعریف تضاد به حسب حقیقت به مراتب خاص‌تر از این است. چه

تضاد فقط دربارهٔ دو امر وجودی است که میان ایشان غایت خلاف باشد و در یک موضوع بالفعل جمع نشوند، بلکه بر سبیل تعاقب و تتابع، حال در آن شوند.» (نصیرالدین طوسی ۱۳۲۶: ۵۵)

تضاد در کل جهان طبیعت و تمام عرصه‌های زندگی، جاری و ساری می‌باشد و همان‌گونه گفته شد، در عالم اندیشه یکی از راه‌های معرفت و شناخت است. با این همه به نظر می‌رسد که شاعران و سخنوران راز روشنگری تضاد را در اعجاب‌انگیز بودن آن می‌دانند و با توجه به این معنا، تضاد را از عالم اندیشه، در فضای خیال و احساس پرواز داده‌اند و برای خلق تصاویر زیبای شعری از این ترفند استفاده بسیار کرده‌اند. در این گفتار تلاش می‌کنیم تا پیشینه‌ی از این صنعت، در کتب بلاغی از قدیم‌ترین ایام تا روزگار معاصر را بیان کنیم.

۱-۲-۳ تضاد در بلاغت

فرهنگ‌نویسان از قدرت تداعی تضاد برای بیان معنی واژه‌ها، بهرهٔ فراوان برده‌اند و در بسیاری موارد در مقابل واژه‌ها، ابتدا واژهٔ متضاد آن را بیان کرده، سپس به معنای آن می‌پردازند زیرا جهش ذهن از معنایی به معنی متضاد آن، احساس خاصی در مخاطب برمی‌انگیزد و به دریافت معنی کمک بسیار می‌کند؛ چنان‌که فرهنگ دکتر معین شاهد این مدعاست.

در کتب بدیعی قدیمی به بحث تضاد و ارزش زیبایی‌شناختی^۱ آن زیاد پرداخته نشده و تنها اشارات گذرایی به این صنعت کرده‌اند که به طور خلاصه آنها را ذکر می‌کنیم:

در دو کتاب «ترجمان البلاغه» و «حدائق السحر» نکتهٔ خاصی راجع به تضاد نیامده است، جز این که تعریف و توضیح کتاب حدائق السحر، عیناً از ترجمان البلاغه اخذ شده و اشاره به این که پارسی متضاد ضد آخشیج است و خلیل احمد آن را مطابقت خوانده است. (رادویانی ۱۳۶۲: ۳۱؛ وطواط ۱۳۶۲: ۲۴)

در کتاب «المعجم فی معاییر اشعار العجم» نیز جز اشاره به این نکته که «مطابقه از طباق الخیل مشتق است، یعنی نهادن اسب، پای خود را به جای دست در رفتار»، مطلب قابل توجه دیگری نیامده است. (رازی ۱۳۷۳: ۳۰۵)

صاحب کتاب «درهٔ نجفی» نیز ضمن برشمردن شش نام برای این صنعت: «متضاد، تضاد، تطبیق، تکافؤ، طباق، مطابقه» تنها به این مطلب اشاره کرده که عده‌ای این صنعت را جزء صنایع لفظی برشمرده‌اند. (نجفقلی میرزا ۱۳۶۲: ۲۰۹)

صاحب کتاب «معیار البلاغه» نیز پس از ذکر نام‌های گوناگون برای تضاد همچون «مطابقه، طباق، تطبیق، تکافؤ و تضاد» معنای لغوی و اصطلاحی آن را به این صورت بیان می‌کند: «برابر کردن و موافقت نمودن»، «جمع دو معنی ضد یکدیگر» (نصیری ۱۳۷۲: ۲۰)

عبدالحسین ناشر (تضاد، طباق، تکافؤ) را جمع بین دو معنی متقابل در کلام با توجه به انواع چهارگانهٔ تقابل دانسته است؛ سپس بیان می‌کند: «... همچنین اعم از این که تقابل بین دو اسم یا بین دو فعل یا دو حرف یا دو نوع از کلمه مثل اسمی و فعلی یا اسمی و حرفی یا فعلی و حرفی باشد که مثال‌های هر یک ذیلاً ایراد می‌شود:» ۱- تحسبهم ایقاضاً و هم رقود که تقابل بین دو اسم است؛ ۲- یحیی و یمیت که تقابل بین دو فعل است؛ ۳- لها ما کسبت و علیها ما اکتسبت که تقابل بین دو حرف است (زیرا که لام به جهت نفع است و علی برای ضرر)؛ ۴- أفمن کان میتاً فأحییناه که تقابل بین اسم و فعل است. و دو قسم دیگر از تقابل که تقابل بین اسم و حرف و فعل و حرف است یافت نشده است.» (ناشر ۱۳۷۳: ۱۷۶)

نکتهٔ دیگری که این نویسنده به آن اشاره کرده، این است که به نوع دیگری از طباق قائل است و آن را «تدبیج» نامیده است. تدبیج آرایه‌یی است که در آن از رنگ‌های مختلف نام برده می‌شود. اما این صنعت را